

تأسیس کرسی شعبه شناسی در دانشگاه‌های غربی

انگیزه‌ها، چالش‌ها و مسیر پیشرو





تفاوت قائل شد. اساساً بخشی از ناکامی در سامان‌دهی کرسی‌های شیعه‌شناسی، چنان‌که در ادامه خواهد آمد، به سبب عدم درک این تفاوت‌ها بوده است.

ناگفته پیداست این عدم درک شامل اجزای دیگر فعالیت‌های دانشگاهی نیز می‌شود و منجر به گمراهی نسبت به مسیری می‌گردد که برای نیل به کرسی دانشگاهی باید پیمود. در این جا بدون این‌که قصد داشته باشیم به تعریف هریک از این مفاهیم بپردازیم، و تفاوت‌های هریک را با دیگری بکاویم، مختصراً به این نکته اشاره می‌کنم که «کرسی» دانشگاهی به موقعیت درون یک دانشگاه یا مرکز آموزش عالی اطلاق می‌شود که با سازوکار مالی مشخص، در داخل یا خارج دانشگاه برای تدریس یا پژوهش (یا ترکیبی از این موارد) در زمینه‌ای خاص برای مدت مشخص تأسیس می‌شود و یک استاد مسئولیت اداره آن را بر عهده می‌گیرد. برای کرسی‌های دانشگاهی معمولاً یک نام انتخاب می‌کنند تا گویای بهتر اهداف و محتویات مطالبی باشد که قرار است در آن مورد بحث قرار گیرد. فرایند تأسیس این کرسی، انتخاب استاد و نیز تداوم فعالیت آن دارای پیچیدگی‌ها و جزئیات بسیار است که در این مختصر نمی‌گنجد.

در نیم قرن اخیر تلاش‌های بسیاری از سوی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مکاتب فکری و نیز ادیان و مذاهب برای تأسیس کرسی‌های دانشگاهی صورت گرفته است. این گرایش‌ها از تأسیس کرسی‌های این چنینی اهداف متعددی را در نظر داشته‌اند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها افزایش پژوهش‌های دانشگاهی در موضوع کرسی، تأثیرگذاری بر پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه به صورت جهت‌دهی، کنترل و نظارت بر آن‌ها و نیز ترویج موضوع بر اثر طرح آن توسط نهادهای دانشگاهی بوده است.

گرچه سابقه تأسیس و فعالیت کرسی‌های دانشگاهی به سال‌های دور برمی‌گردد، اما در دهه گذشته و همزمان با گسترش سیاست‌های

در دهه گذشته و همزمان با گسترش سیاست‌های نولیبرالی در عرصه دانشگاهی و وارد شدن منابع مالی خارج دانشگاهی به درون دانشگاه‌ها، شاهد رشد بی‌سابقه کرسی‌های دانشگاهی در رشته‌های علوم انسانی بوده‌ایم.

طرح مسئله

مسئله لزوم حضور فعال پژوهشگران شیعی یا متخصصان شیعه‌شناسی و یا هر دو در آکادمی بین‌المللی اگرچه پیشینه‌ای طولانی دارد، اما به دلایل مختلف تاکنون موفقیت‌آمیز نبوده و در دهه گذشته در عرصه تأسیس کرسی‌ها و مراکز مطالعاتی مخصوص شیعه‌شناسی به صورت محسوسی عقب‌ماندگی مشاهده می‌شود. از سوی دیگر شاهد این هستیم که در جمع‌های دانشگاهی و مذهبی و نشست‌ها و هم‌اندیشی‌های متعدد به دفعات درباره این موضوع سخن می‌گویند. لکن اصل این مسئله یعنی شرکت فعالانه هر چه بیشتر شیعیان در تأسیس «کرسی‌های شیعه‌شناسی در سراسر جهان» تاکنون تحقق نیافته است.

در این جا باید به سه نکته توجه کرد. اول این‌که در این مدت که می‌توان آن را یک بازه دوده‌ای دانست، تقریباً هیچ کرسی شیعه‌شناسی و یا اقدامات مشابه با این امر از سوی برگزارکنندگان و یا کسانی که اعلام کرده‌اند قصد ورود در این زمینه را دارند، صورت نگرفته است؛ دوم این‌که قدم‌های اولیه در مسیر تأسیس چنین کرسی‌ها و یا موقعیت‌هایی نیز برداشته نشده و سوم این‌که در همین بازه زمانی، فعالیت‌های مشابه بسیاری توسط گروه‌های دیگر صورت گرفته است؛ به طوری که امروزه کرسی‌ها و یا برنامه‌های مطالعاتی در زمینه اسلام‌شناسی که هریک توسط یکی از گروه‌های ذی‌نفع اسلامی به انجام رسیده، چهره این پژوهش‌ها در آکادمی بین‌المللی را تغییر داده است. در این نوشتار با ذکر برخی نمونه‌ها و تجربیات در این زمینه، قصد دارم توضیح دهم که ابتدائاً فعالیت‌های علمی در زمینه‌ای که شیعه‌شناسی درون آن قرار می‌گیرد، در چه وضعیتی است، اقدامات مشابه در این زمینه کدام‌ها بوده و نهایتاً این‌که برای دستیابی به وضعیت فعال‌تری در این زمینه باید دست به چه اقداماتی زد؟

در ابتدای امر باید به این واقعیت اشاره کرد که از آن‌جا که بحث‌ها درباره تأسیس «کرسی‌های شیعه‌شناسی» اغلب توسط افراد غیرمتخصص و ناآشنا با رویه‌های دیوان‌سالارانه دانشگاه‌ها و مجامع علمی بین‌المللی مطرح می‌شود، در بسیاری از موارد با مفاهیم مرتبط خلط شده و مباحث را از همان ابتدا به انحراف کشانده است. لذا باید میان «کرسی»، «مؤسسه»، «مرکز»، «انجمن»، «جایزه»، «بودجه پژوهشی/سفر علمی»، «موقعیت پژوهشی»، «پروژه»، «گرایش»، «کهاد» و موارد دیگر



پیمان اسحاقی، دانشجوی دکتری انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی دین در دانشگاه شیکاگو آمریکا

درآمد

کرسی دانشگاهی نام عمومی یک شغل دائمی در دانشگاه است که بر اساس هدیه‌ای از سوی افراد حقیقی و یا حقوقی خارج از دانشگاه تأسیس می‌گردد. این موقعیت در یک گروه آموزش خاص در دانشگاه تعریف می‌شود و هدیه‌دهنده معمولاً مجاز است برای موقعیت مورد نظر نام تعیین کند. آن‌چه در این یادداشت می‌آید، گزارشی اجمالی از وضعیت کرسی‌های دانشگاهی موجود در عرصه‌های اسلام‌شناسی، خاورمیانه‌شناسی، ایران‌شناسی و شیعه‌شناسی است. در ادامه به بحث درباره ناکامی شیعیان در تأسیس کرسی‌های شیعه‌شناسی اشاره و در پایان پیشنهادهایی برای تأسیس این کرسی‌ها ارائه می‌شود.



تحلیل وضعیت کنونی

در زمینه خاورمیانه‌شناسی علاوه بر تأسیس کرسی‌های متعدد توسط اشخاص حقیقی و حقوقی غیرمسلمانان، شمار زیادی کرسی و مرکز علمی نیز توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی مسلمان تأسیس شده است. این نهادها عمدتاً بعد از واقعه یازدهم سپتامبر و مسائلی که نسبت به آن در خاورمیانه به وقوع پیوست، افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در میان مسلمانان، دولت کشورهای عربی و نیز شخصیت‌های عرب، اکثریت مؤسسين این کرسی‌ها و مراکز تحقیقاتی را به خود اختصاص داده‌اند.

تأسیس کرسی‌ها و مراکز مخصوص اسلام‌شناسی در دانشگاه‌های غربی توسط مسلمانان، به صورت عمده از دهه ۱۹۹۰ میلادی و بیشتر توسط دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس آغاز شد. گفته می‌شود قدیمی‌ترین کرسی اسلام‌شناسی در دانشگاه‌های آمریکا در سال ۱۳۵۴ با حمایت مالی دولت عربستان سعودی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی تأسیس گردید. در حال حاضر دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس و نیز شاهزادگان و دیگر شخصیت‌های حقیقی مرتبط با آن‌ها با فاصله زیاد نسبت به دولت‌ها و شخصیت‌های ثروتمند و فرهنگی کشورهای دیگر مهم اسلامی مانند ایران،

با نگاهی به کرسی‌های تأسیس شده در زمینه‌های خاورمیانه‌شناسی، ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی ملاحظه می‌کنیم که از میان کشورهای اسلامی، عربستان سعودی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در این زمینه بسیار جدی و قدرتمند ظاهر شده‌اند.

که از میان کشورهای اسلامی، عربستان سعودی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در این زمینه بسیار جدی و قدرتمند ظاهر شده‌اند و از کشورهای مهم دیگر اسلامی مانند ایران، ترکیه، اندونزی، مالزی و مصر به صورت محسوس جلوه افتاده‌اند. در عرصه تأسیس کرسی‌های یادشده توسط اشخاص حقیقی و متمولین متوجه به مسائل فرهنگی نیز شخصیت‌های سعودی و ایرانی گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند.

نولیبرالی در عرصه دانشگاهی و وارد شدن منابع مالی خارج دانشگاهی به درون دانشگاه‌ها، شاهد رشد بی‌سابقه کرسی‌های دانشگاهی در رشته‌های علوم انسانی بوده‌ایم. این گسترش تصاعدی به‌عنوان نمونه در زمینه‌های مربوط به خاورمیانه‌شناسی، اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی به‌راستی چشم‌گیر بوده است. برای توضیح این پدیده می‌توان به دلایل بسیاری اشاره کرد. آگاهی دولت‌های کشورهای مسلمان از اهمیت این کرسی‌ها و رقابت‌های میان ایشان، گسترش دیپلماسی فرهنگی افراد نزدیک به این دولت‌ها، آگاهی شماری از شخصیت‌های ثروتمند و فرهیخته از اقدام متمولین فرهنگی کشورهای غربی و تلاش برای تقلید از آن‌ها، رشد جریان‌های احیای دینی در کشورهای مسلمان و رشد احساسات دانشگاهی علیه شماری از کشورهای عربی (خصوصاً بعد از واقعه یازده سپتامبر و به‌طور خاص علیه عربستان سعودی در میان دانشگاهیان) را می‌توان از جمله مواردی دانست که به افزایش هرچه بیشتر کرسی‌های دانشگاهی توسط دولت‌های کشورهای اسلامی و نیز ذی‌نفعان مسلمان منجر شده است.

با نگاهی به کرسی‌های تأسیس شده در زمینه‌های خاورمیانه‌شناسی، ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی ملاحظه می‌کنیم

پیش از اسلام و یا پراکندگی ایرانیان در سراسر جهان پیرا دارند.

تنها کرسی شیعه‌شناسی در مراکز آموزشی مغرب‌زمین، «کرسی امام علی [ع] برای شیعه‌شناسی و گفتگوی میان مذاهب اسلامی» است که درون حوزه علمیه مسیحی هاتفورد در ایالت کانتیکت کشور آمریکا تعریف شده است. این کرسی در اردیبهشت سال ۱۳۹۴ توسط ائتلافی از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی شیعی و غیر شیعی تأسیس شده است. انجمن عمومی مسلمانان آمریکا، فدراسیون جهانی جوامع مسلمان شیعه اثنی عشری خوجه، مرکز اسناد اسلامی و کتابخانه یادبود ملاصغر و نیز بنیاد محسن و فوزیه جعفر تأسیس‌کنندگان این کرسی هستند. ایده تأسیس این کرسی و فعالیت‌های اداری مربوط به آن از سوی پروفیسور محمود ایوب، استاد آمریکایی لبنانی تبار شیعی این حوزه علمیه مطرح شده بود. البته درباره این کرسی باید به این نکات توجه کرد:

۱. این کرسی نه در یک دانشگاه بلکه در یک حوزه علمیه مسیحی تأسیس شده است. به این ترتیب به یک معنا باید گفت که در حال حاضر در دانشگاه‌های غربی کرسی شیعه‌شناسی فعالی وجود ندارد.

۲. به سبب گستره تاریخی تشیع و این‌که این مذهب در موارد بسیاری در سرزمین‌های مختلف گسترش یافته و با فرهنگ‌های محلی آمیخته است، یک کرسی که قرار است به هدف شیعه‌شناسی تشکیل شود، می‌تواند در قالب یک کرسی اسلام‌شناسی و یا ایران‌شناسی تأسیس گردد. به عبارت دیگر باید گفت از یک سو هیچ‌یک از کرسی‌های اسلام‌شناسی و یا ایران‌شناسی فعلی دغدغه پژوهش‌های شیعی ندارند و حتی فراتر از آن در پژوهش‌های خود گویی تشیع را جزئی از ماهیت اسلام و یا ایران به شمار نمی‌آورند.

۳. درباره کرسی شیعه‌شناسی در حوزه علمیه هاتفورد نیز نباید از نظر دور داشت که مراحل اداری و اجرایی این کرسی هنوز به پایان نرسیده و مقداری از مبلغی که برای فعالیت این کرسی باید از سوی متبرعین به حوزه هاتفورد پرداخت گردد، هنوز تأمین نشده است. به عبارت دیگر از آن‌جا که فرایند تأسیس حتی همین یک کرسی به‌عنوان بخشی از یک حوزه علمیه مسیحی نیز مورد توجه جدی فعالان فکری و فرهنگی شیعه نبوده، ممکن است آن نیز در آینده تعطیل شود.

فقدان کرسی‌های شیعه‌شناسی در آکادمیای غربی هنگامی دردناک‌تر می‌شود که در نظر داشته باشیم در هیچ‌یک از محافل اسلامی و ایرانی، به اندازه فضاهای شیعی در ایران، سخن از لزوم تأسیس این کرسی‌ها نرفته است. نگارنده این سطور که در دهه

UCLA Iranian Studies



IRANIAN STUDIES LECTURE SERIES



Photo: Humboldt Foundation/Wolfgang Hemmann

How much of a Physician was Rashīd al-Dīn?

OCT. 18, 2017 | 4:00 PM | 306 ROYCE

JUDITH PFEIFFER (UNIVERSITY OF BONN)

Rashid al-Din Faḡl Allah Hamadāni (d. 718/1318) is often introduced as "tabib," or "physician," mostly to distinguish him from authors with similar names, notably the epistolographer Rashid al-Din Watwāt (d. 578/1182). This paper discusses Rashid al-Din's scholarly persona as a physician. Starting from his epithet, tabib, the paper explores his role as a medical practitioner, patron, and author of scholarly medical treatises, arguing that Rashid al-Din's name is henceforth to be included in earnest in the history of Islamic medicine.

SPEAKER

Judith Pfeiffer's research focuses on the social, political, and intellectual history of the Nile to Oxus region with a particular emphasis on Iran, Central Asia, and Anatolia during the Later Middle and Early Modern Periods of Islamic history. She has a special interest in the ways in which political and confessional boundaries were re-negotiated and re-defined during the post-Mongol period, and has worked on Islamization processes, historiography, and political thought during the 13th to 17th centuries.

Judith received her Ph.D. in Near Eastern Studies/History from the University of Chicago in 2003. In the same year, she joined the Faculty of Oriental Studies in Oxford as a University Lecturer and then Associate Professor. In 2016, she was appointed Alexander von Humboldt Professor in Islamic Studies at the University of Bonn, where she currently directs the Alexander von Humboldt Kolleg on 13th to 16th century Islamicate intellectual history.

This event is made possible with the major support of the Amuzegar Chair in Iranian Studies and the Musa Sabi Term Chair of Iranian Studies and co-sponsored by The UCLA Asia Pacific Center.

For more info and to RSVP: www.iranian.ucla.edu



UCLA College
Humanities

ترکیه، مصر، اندونزی و مالزی در این زمینه پیشگام و موفق بوده‌اند.

تأسیس کرسی‌ها و مراکز مخصوص ایران‌شناسی که نزدیکی‌های زیادی با اسلام‌شناسی و نیز شیعه‌شناسی دارند هم در دهه اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. اما باید در نظر داشت همان‌گونه که کرسی‌ها و مراکز خاورشناسی که توسط حامیان مالی بیرون دانشگاهی تأسیس شده، جنبه‌ای خاص از مسائل خاورمیانه را مورد توجه قرار می‌دهند و به همان ترتیب که کرسی‌های اسلام‌شناسی این چنینی سعی در معرفی اسلام به‌گونه مورد نظر حامی مالی خود دارند، کرسی‌های تأسیس شده در زمینه ایران‌شناسی نیز برخی از دوره‌های تاریخی و مسائل ایران را مدنظر قرار می‌دهد.

از سوی دیگر نکته مهم در زمینه کرسی‌های ایران‌شناسی این است که رشد این کرسی‌ها در دهه گذشته نه به سبب فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران بلکه به دلیل تلاش‌های شخصیت‌های حقیقی ایرانی ساکن خارج از

نکته مهم در زمینه کرسی‌های ایران‌شناسی این است که رشد این کرسی‌ها در دهه گذشته نه به سبب فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران بلکه به دلیل تلاش‌های شخصیت‌های حقیقی ایرانی ساکن خارج از کشور صورت گرفته است.

کشور صورت گرفته است. این شخصیت‌ها نیز اغلب در خارج از ایران و عمدتاً در آمریکا زندگی می‌کنند. این افراد و یا خانواده‌های متمول و علاقه‌مند به تاریخ و فرهنگ ایران در سال‌های گذشته کرسی‌های دانشگاهی متعددی در زمینه ایران‌شناسی تأسیس کرده‌اند. این کرسی‌ها و مراکز اغلب در دانشگاه‌های آمریکا تأسیس شده و مؤسسين آن‌ها ترجیح داده‌اند کرسی‌ها و یا مراکز مذکور در مواردی به ایران



است و تنها نیازمند کمک مالی ایرانی برای پشتیبانی این کرسی هستیم و اگر ظرف دو سال آینده که من هنوز بازنشسته نشده‌ام، این کار صورت نگیرد، این فرصت از دست خواهد رفت.»

چشم‌انداز پیش رو و بایدهای تأسیس

کرسی شیعه‌شناسی

چنان‌که مشاهده کردیم، جریان‌های فکری و فرهنگی در قالب گروه‌ها یا شخصیت‌های حقیقی و حقوقی در دهه‌های گذشته تلاش‌های زیادی داشته‌اند تا بتوانند در عرصه دانشگاهی به تأسیس مراکز علمی و یا کرسی‌های تخصصی پردازند. نیز مشخص شد که این کرسی‌ها عمدتاً در کشور آمریکا - که در عرصه علوم انسانی در جایگاه کاملاً برتری از کشورهای دیگر قرار دارد - متمرکز بوده است. علاوه بر آن مشاهده شد که کشورها و شخصیت‌های نامدار عربی حاشیه خلیج فارس تقریباً اکثریت کرسی‌های اسلام‌شناسی و خاورمیانه‌شناسی با رویکرد اسلامی را از آن خود کرده‌اند. از سوی دیگر ایرانیان ساکن خارج از کشور خصوصاً آمریکا نقش اصلی را در تأسیس و تداوم فعالیت‌های کرسی‌های ایران‌شناسی برعهده داشته‌اند.

عامل اصلی در تأسیس چنین کرسی‌هایی برخلاف آنچه در ابتدا به ذهن می‌رسد، در اختیار داشتن حجم عظیمی از منابع مالی نیست. بلکه مهم‌تر از آن سه عامل «اعتقاد جدی به اهمیت حضور در مجامع علمی»، «پذیرش سازوکار و بایدهای تأسیس این چنین کرسی‌هایی» و نیز «در اختیار داشتن نیروی انسانی توانمند» که امکان انجام امور اداری مربوط به تأسیس این کرسی‌ها را داشته باشند، شرط‌های مهم‌تر در این عرصه به شمار می‌آیند. سرمایه لازم برای تأسیس این کرسی‌ها با توجه به شرایط مختلف و دانشگاه‌های گوناگون از نیم میلیون دلار آغاز می‌شود. به این ترتیب که متقاضی تأسیس باید حداقل

فقدان کرسی‌های شیعه‌شناسی در آکادمیای غربی هنگامی دردناک‌تر می‌شود که در نظر داشته باشیم در هیچ یک از محافل اسلامی و ایرانی، به اندازه فضا‌های شیعی در ایران، سخن از لزوم تأسیس این کرسی‌ها نرفته است.

تعهدشان از این طرح حمایت مالی نکردند. دفتر مقام معظم رهبری اعلام کرد این کار خیلی خوب است، اما مجمع جهانی اهل بیت (ع) مأمور حمایت از این‌گونه فعالیت‌هاست. مجمع جهانی اهل بیت (ع) هم گفت طرح خیلی خوب است، اما بودجه لازم را نداریم. سفارت ایران در لندن، رایزنی فرهنگی و وزارت امور خارجه در دولت قبل هم گفتند مأموریت ما اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی نیست.» در زمینه ناتمام ماندن تأسیس کرسی شیعه‌شناسی در دانشگاه فرانکفورت نیز عدم حمایت مالی ایران سبب این امر ذکر شده است.

این‌ها همه در شرایطی است که همواره شیعیان دغدغه‌مندی در ساختار دانشگاهی غربی وجود دارند که حاضرند از موقعیت و تجربه خود برای تأسیس چنین کرسی‌هایی استفاده کنند. به‌عنوان نمونه می‌توان از تلاش‌ها و علاقه دکتر حسین نصر برای تأسیس کرسی شیعه‌شناسی در دانشگاه جرج واشنگتن آمریکا یاد کرد. ایشان به یکی از دانشگاهیان ایرانی در این زمینه چنین گفته است: «من به دلیل مقبولیتی که نزد رئیس دانشگاه جرج واشنگتن دارم، امکان راه‌اندازی یک کرسی شیعه‌شناسی را دارم و برنامه و سرفصل این رشته هم آماده

گذشته در فضا‌های دانشگاهی و دینی داخل و خارج ایران حضور داشته، در هیچ‌جا به اندازه فضا‌های مذهبی ایران درباره لزوم و اهمیت کرسی‌های دانشگاهی نشینده و بیشتر از آن در جلسات مرتبط با این امر شرکت نکرده است. با یک جستجوی اینترنتی ساده می‌توان به حجم انبوهی از نشست، سخنرانی، مصاحبه، اظهار نظر و وعده تأسیس کرسی‌های شیعه‌شناسی رسید. اما در عمل، آنچه در این عرصه اتفاق افتاده بسیار نادر و غیرقابل مقایسه با فعالیت‌های دیگران در عرصه خاورمیانه‌شناسی، اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی بوده است.

در سال‌های گذشته در ایران سخنان زیادی درباره تأسیس کرسی شیعه‌شناسی در دانشگاه‌های مونستر و فرانکفورت در کشور آلمان، در دانشگاه دورام در انگلستان و امثال آن بر زبان رانده شده، مسئولین دولتی به دفعات از تصمیم قطعی خود در این زمینه سخن گفته‌اند و یا افتتاح قریب‌الوقوع این کرسی‌ها را وعده داده‌اند، اما عملاً هیچ اتفاق مؤثری در این زمینه روی نداده و در همچنان در بر پاشنه پیشین چرخیده است. به‌عنوان نمونه دو سال پیش، قائم مقام مدیر حوزه‌های علمیه کشور از ایجاد کرسی‌های شیعه‌شناسی و فقه شیعه در دانشگاه‌های معتبر جهان خبر داد و این امر را «از مهمترین برنامه‌های حوزه‌های علمیه برای پاسخ‌گویی به نیازها در عرصه جهانی» معرفی کرد. اما تا به امروز به دلایل بسیار اتفاقی در این زمینه به وقوع نپیوسته است.

دکتر سیدسلیمان صفوی، پژوهشگر ایرانی ساکن انگلستان در گفتگویی به‌خوبی به ناهماهنگی‌های موجود در ایران برای اقدام در این زمینه اشاره کرده است. او می‌گوید: «قصدها داشتیم کرسی شیعه‌شناسی را در [دانشگاه] سواس در سال ۲۰۰۰ میلادی تأسیس کنیم و موافقت دانشگاه را هم اخذ کردیم، اما متأسفانه متولیان ایران علی‌رغم



DECENNIAL REPORT

Hamid & Christina Moghadam Program in Iranian Studies, Stanford University

عمل‌گرایی، نپذیرفتن ساختارها، عدم پذیرش استانداردهای رفتاری تعامل با نخبگان شیعی بین‌المللی و ناکارآمدی اساسی در تعامل با افراد و جریان‌هاست.

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران، حوزه‌های علمی ایران، مؤسسات و نهادهای دینی، خیرین، ممولین و فعالان شیعی هر یک با این‌که بر تأسیس کرسی‌ها و مراکز دانشگاهی شیعه‌شناسی تأکید می‌کنند، آن را وظیفه اصلی دیگری می‌دانند. برای خارج شدن از این دور باطل، هر یک از این نهادهای یاد شده باید با درک شرایط موجود، مستقلاً اقدام در این زمینه مبادرت ورزند. آن‌ها باید در ابتدا به درک صحیحی از این مسئله برسند و بپذیرند که چنین اقدامی استانداردها، الزامات و شرایطی مخصوص دارد؛ مواردی که تخطی از آن‌ها و یا همسان‌کردن آن‌ها با خواسته‌های خود تا حد زیادی ناممکن است. سپس با اختصاص بخشی از مخارجی که برای این هدف در نظر گرفته‌اند، نمونه‌ای از سازوکاری را که منتهی به تأسیس کرسی و یا مرکز بین‌المللی می‌شود، با استفاده از افراد واجد صلاحیت و حاضر در آکادمی‌های بین‌الملل در سطح خرد تمرین کنند. سپس برنامه‌ای جامع در این زمینه تهیه و با تأمین هزینه‌های مالی آن یک کرسی یا مرکز شیعه‌شناسی یا ایران‌شناسی را در دانشگاهی برجسته تأسیس نمایند. به امید آن روز. ✕

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران، حوزه‌های علمی ایران، مؤسسات و نهادهای دینی، خیرین، ممولین و فعالان شیعی هر یک با این‌که بر تأسیس کرسی‌ها و مراکز دانشگاهی شیعه‌شناسی تأکید می‌کنند، آن را وظیفه اصلی دیگری می‌دانند.

و ضرورت تأسیس کرسی‌های ایران‌شناسی و شیعه‌شناسی سخن می‌گویند و حتی بیشتر از بقیه در این زمینه وعده می‌دهند، اما به صورت محسوسی از رقبای منطقه‌ای خود عقب‌تر هستند و هنگامی که با این واقعیت مواجه می‌شوند، به جای پذیرش نقص و سعی در جبران آن، مسئله «گران بودن هزینه تأسیس» را سبب اصلی این ناکامی معرفی می‌کنند؛ حال آن‌که اطلاع‌اجمالی از هزینه‌هایی که در این عرصه درون مجامع دولتی و خصوصی صورت می‌گیرد، هر ناظر آگاهی را به این نتیجه می‌رساند که مشکل نه در مسائل مالی، بلکه در ذهنیت‌ها، نظام‌های اداره و مدیریت، بی‌انگیزگی و بی‌اطلاعی کارشناسان، مدیران و فعالان سطوح میانی، اولویت دادن به وعده‌دهی و وقت‌گذاری در قالب گفتگوهای بی‌پایان درباره این موضوع و دوری از

این مبلغ را به دانشگاه پرداخت کنند تا اجازه تأسیس کرسی مورد نظر داده شود.

پر واضح است که این مبلغ برای هیچ‌یک از گروه‌های فکری اصلی و یا دولت‌ها به نسبت هزینه‌های دیگری که در زمینه مسائل اسلام‌شناسی، خاورمیانه‌شناسی، ایران‌شناسی و شیعه‌شناسی صرف می‌کنند، قابل توجه نیست. اما وجود یا فقدان عوامل سه‌گانه که در بالا ذکر گردید، سبب شده است کشورهای عربی در عرصه اسلام‌شناسی و خاورمیانه‌شناسی تا این اندازه موفق و جمهوری اسلامی ایران، احزاب اسلام‌گرای شیعی در کشورهای خاورمیانه و شخصیت‌های شیعی در این کشورها به همان میزان در تأسیس کرسی‌های شیعه‌شناسی در جهان در رقابت عقب‌مانده باشند. به این ترتیب اسلام‌شناسی و خاورمیانه‌شناسی در دانشگاه‌های اصلی جهان به صورتی تنظیم شده که از یک سو به مسائل مورد علاقه حامیان آن‌ها پرداخته و از سوی دیگر امکان انتقاد نسبت به آن حامیان را تا اندازه‌ای مهار کرده است.

شناخت شیعیان از عرصه حضور در آکادمی‌های بین‌الملل و ازجمله تأسیس کرسی‌های شیعه‌شناسی تا اندازه زیادی محدود و حتی گمراه‌کننده است. نهادهای حکومتی - مذهبی در ایران و نیز گروه‌های شیعی مستقل بیش از هر گروه دیگر در جهان درباره اهمیت، لزوم